



مبارز انقلابی احمد شعبانی عضو کومه‌له

یوسیله پاسداران جهل و سرمایه در مهاباد تیر باران گردید.

سه شبانه روز شکنجه و حیانه نتوانست لبهای رازدارش را بگشاید.

پیشمرگان کومه‌له در مهاباد:

طی عملیات شهید احمد نزدیک به ۵۰ پاسدار را بهلاکت رساندند.

اکبر خیری جاش جنایتکاری که در دستگیری، شکنجه و اعدام شهید احمد نقش اصلی را داشت توسط پیشمرگان کومه‌له اعدام انقلابی گردید.

مبارزه ضد امپریالیستی یا عوام فریبی برای سرکوب جنبش انقلابی

(بمناسبت آزادی روز گانهای آمریکائی)

در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۵۸ با طرح بهزی حزب جمهوری اسلامی گروهی بنام دانشجویان نیرو خط امام وارد سفارتخانه آمریکا شد و یک ساعت سپاه پاسداران ۵۲ مأمور آمریکائی را در آنجا بگروگان گرفتند. و این در حالی بود که هنوز رابطه سیاسی و اقتصادی ایران با آمریکا ادامه داشت و شرکت‌های نفتی و سرمایه‌های آمریکائی و امپریالیستی همچنان بر اقتصاد متکی بر نفت ایران حاکم بودند و آموزش متخصصین نظامی ایران در آمریکا بود و ام بود و... علاوه بر اینها این کار در حالی بود که از طرف هیئت حاکم جمهوری اسلامی کشتار و سرکوب خلق کسود و سرکوب مبارزات کارگران و سرکوبی در مکرسی و بنا بود کردن دستاورد مآ قیام و کشتار و ترویرا انقلاب بیون و کوشش در جهت برقراری استبداد و خفقان شبه فاشیستی در سرتاسر ایران ادامه داشت.

هیئت حاکمه جمعی وری اسلامی با تمام طبقات ضد انقلابی و سرکوبگرانه

بمناسبت دوم بهمن دووی ریه‌بندای مراکی با شرکت هزاران نفر از مردم مهاباد بوکان به دعوت کومه‌له برگزار شد.

در این مراسم برای نخستین بار سرود آنتراناسیونال بزبان کردی اجرا گردید.

● چهار نفر از پیشمرگان کومه‌له در برابر ۱۵ ارتشی و پاسدار در مردوان بساعتها مقاومت کردند.
● کاک حسن موله نانی زحمتکش آگاه و انقلابی در این نبرد به شهادت رسید.

آن نسبت بخلق کرد به تودهای مردم نشان میدادند. بحلا و همیست حاکمه جمهوری اسلامی در روش فاشیستی خود بکردستان با مقاومت یک پارچه و سرسختانه خلق کرد موافقت کرده و در سرکوب این خلق نا موفق ماند و از پیشمرگان جنبش مقاومت ضربات سختی خورد نمود. بطوریکه ادامه تعرض پیشمرگان به همراه مبارزات در مکرانک و ضد امپریالیستی واقعی نیروها و تودهای مبارز و انقلابی سرتاسر ایران و زهرابین از پیش با خطر سقوط و پایان حیات ننگین آن مواجساخت.

اش تا آن هنگام نتوانسته بود موفق مبارزاتی تودها برای کسب و حفظ دستاورد های د مکرانک را بخواهاند و از گسترش نفوذ سیاسی نیروهای مبارز و انقلابی در میان توده‌های زحمتکش جلوگیری بعمل آورد. نیروهای انقلابی سیاست ضد انقلابی رژیم را که در جهت بازسازی و نوسازی دستگاه‌های سرکوبگر برای حفظ حاکمیت سرمایه و مناسبات مستقرانه ظیبه زحمتکشان بود و پیش از پیش انشا نمود و شباهتهای سیاست رژیم جدید را با رژیم شاهمانند لایل غیر قابل تردید از جمله افشای جنایات

بنابر این هیئت حاکمه همواره
امتحان شد و برای سرکوب تود مها
و قلع و قمع نیروهای انقلابی ایران
بکار برد و نتیجه لا زهر آزان نگرفته
بود رژیم کمبری برقراری تسلط کامل
د چهاره سرمایه‌های امپریالیستی و
مبارزان ضد امپریالیست راستین را
سرکوب میکرد ولی در همین حال پیش
انپیش رسوا ترمیگشت و برای نجات
خود و برای سوق مبارزات تود مها به
کانالی انحرافی و کم خطر و تحت
کنترل هیئت حاکمه جدید و به موا
مفریبه جدیدی نیاز داشت. هیئت
حاکمه همان طور که قبل از رسیدن به
حکومت و جنبش سیاسی سرتاسری
ایران را تنها به شعاع مرگ بر شاه
محدود کرد و با دارود ستمهای
حزب الهی از طرح هرگونه شعاع ضد
امپریالیستی و ضد ارتجایی و د مکر
تک در نظرات واقداقیام
سلطان علیه رژیم شاه جلوگیری میکرد
تصمیم گرفت مبارزه ضد امپریالیستی
واقعی تود مها و نیروهای انقلابی را
به گرفتن چند ما مورسفات خانسه
آمریکا و خواست برگرداندن شاه
برای محاکمه و تبدیل نماید
آن اسنادی که دانشجویان پیرو
استبداد ولایت فقیه از مقامات رژیم
در زد و بند با آمریکا با اصطلاح افشا
کردند مدتها بود که نیروهای
انقلابی در مورد آنها و نظام ستمگرا
نمای که این مقامات نیز مبره‌های آن
بودند و به افشای دست زد بودند
و اگر دستگا‌های تبلیغات ارتجایی
رژیم "مرگ بر کراتر" را بحدسوان
مبارزه ضد امپریالیستی به تود مها
نا آگاه میخوراندند و مدتها بود که
کا رگران آگاه و انقلابی علیه ما حصان
سردایه‌د را بران اینکا رگران شرکای
انحصارات امپریالیستی به مبارزه
پرداخته و تمام نظام استبدادگرا نه
وجود را مورد سؤال قرار دادند و
برای طبقه کارگر و هر فرد آگاه و
عبارت مبارزه ضد امپریالیستی جز
نا میند مکرسی و آزادی کارگران و
دیگر حمتکشان از نوع سیاسی و
انحصادی سرمایه‌های انحصاری و

امپریالیستی معنای دیگری نمی
توانست داشته باشد. در حالیکه
هیئت حاکمه در همان حال که ۵۲
ما مورآمریکائی را به گروگان گرفته بود
و آنرا مبارزه ضد امپریالیستی نام
می نهاد و لحظهای نمتنها از
سرکوب کارگران و دیگر حمتکشان و
نا بود کردن دستاورد های د مکر اتیک
قیام فاضل نبود بلکه د قتل عام مردم
ایران و بهره خلی کرد آن چنان
با د گارهای ننگینی از خود شمت
نمود که رژیم شاه مزد ویرانیز کمتر
با رای انجام آن بود. هیئت حاکمه
جمهوری اسلامی از همه
سلاحهای کم رژیم شاه را پیش پا رت
گذاشته بود و (تنگ و توپ و تانک و
راکت هلی کوپتر و صوب ناها) هم
فانتوم) برای کشتار خلق کرد استفاده
نمود
هیئت حاکمه ارتجایی ایران
همانطور که برای خلع سلاح قیام
کنندگان و کمیته‌های
ضد انقلابی از جمله کمیته سفارت
آمریکا را اختراع کرد و این امر برای
شهر فر کردن مبارزه ضد امپریالیستی
واقعی تود مها ی مردم و با اصطلاح
خلع سلاح سیاسی نیروهای
انقلابی و کمیته
سفارت آمریکا را به خود سفارت
انتقال داد
این رژیم چهلای این مدت گروگان
گیری و چه قبل از آن همان سیاستی را
علیه تود مها ی مردم ایران و سرای
سرکوب آنان در پیش گرفته است که
هر رژیم مزد ویرا امپریالیستی نیز در آن
انجام نمی داد. طی این مدت
تود های مزد ویرا و روسیس خائنین
چریکهای اکثریت و عوا فریانه ترا زوز
جمهوری اسلامی به تحقیق مردم
مشغول بودند و برای کمک به ترمیم
ابزارهای دفاع از حاکمیت سرمایه
تشبیه قدرت رژیم و آنچه و توانشا
بود بکار بردند و جناح حزب جمهو
ری اسلامی را د ر کسب برتری نسبت به
جناح رقیب درون هیئت حاکمه
(که البته هم در ارد ر سرکوب جنبش
انقلابی با آن همدست بود مانند) -
باید دادند

حال که گروگانها آزاد شده‌اند و
فعلا آنها نه‌ای براعضد امپریالیست
نشان داد ن رژیم جنایتکار و دست
شان باقی نماند منتهی با بد آشکارتر
انپیش سرکوب کارگران و انقلابیون و
کشتار خلق کرد و با تمام مبارزه ضد
امپریالیستی بوسیله رژیم جمهوری
اسلامی تأیید کنند و بلکه با بد پیش
انپیش عملا آزاد را اجرای سیاست
هایش نیز جاری دهند. همان کاری
که تا کنون اینجا و آنجا از طریق لودان
انقلابیون و جاسوسی به
نفع رژیم انجام داد مانند و بنابر این
مبارزه ضد امپریالیستی نوع هیئت
حاکمه که در جهت اعتلای جنبش
انقلابی تود مها بلکه در جهت فراهم
کردن زمینه سرکوب آن بود و غیر از
خائنین به طبقه کارگر و آنها نیک
در راه تکراری رژیم نهاد میبودند
پشتیبانی هیچ نیروی فرد آگاه و مبارزی
را جلب نکرد و در حالیکه مبارزات خلق
قهرمان و مقام طبعها میرا المیز آمریکا
توفانی انشتیبانی تود های مردم
آمریکا را بد نبال داشت و نیز مبارزات
مرد ایران علیه رژیم شاه مزد ویرا
مورد حمایت مردم در سراسر جهان
قرار گرفت. اما در سطح جهانی و
از جمله در خود آمریکا و تود های
مردم از این نوع با اصطلاح مبارزه ضد
امپریالیستی رژیم حمایتی نکردند
زیرا با توجه به افشای جنایات رژیم
در سطح جهان و دستگا‌های
تبلیغاتی امپریالیستی با بهره‌گیری
از این وضع توانستند دستگیری ۵۲
مزد ویرا امپریالیست آمریکا را در نظر
تود های مردم دنیا طوری و تصور
کنند که گویا این "آمریکاست" که مورد
"ظلم" واقع شده و ۵۲ "مظلوم
بهدفاع آن اسیر" ایران "گشته‌اند و
بند بنوسیله حساسات عمومی را
چنان در آمریکا تحریک کنند تا
چنانچه رژیم جمهوری اسلامی در سر
کوب اعتراضات و مبارزات فزاینده
تود مها موفق نشد و به سرشکلی مانع
از زهدت امپریالیست آمریکا در
ایران به خطر افتد بتوانند هر چه
آسانتر اعمال ضد انقلابی خود را

ادامه مبارزات ضد امپریالیستی...
علیه زحمتکشان وتوده های مردم
ایران شد تبخشد .

بهر صورت نه گروگانگیری و نه آزاد
نمودن آنان تخمیری در ما هیست
ارتجاعی رژیم و سیاست آن منی بر
دفاع از سرما به داری و سرکوب مبارز
زات زحمتکشان و انقلابیون نمیدهد .
کافیست که به پیام خمینی " بسادر
حقیقت " تهدیدات خمینی نسبت
به توده های مردم ایران " بعد از
آزادی گروگانها در تاریخ ۱ / ۱۱ / ۵۷
توجه کنیم . او در این پیام با زهم به
نیروهای سرکوبگر رژیم فرمان قلع و قمع
و کشتار می برد . انقلابیون را صادر
میکند . فرمان تیرباران سرسازان
فهری و فرمان اطاعت سرها زان زلفا
به ت مافوق را میدهد . و علاوه بر
د های آگاه و مبارز فرمان میدهد
: صحبت موقوف ، هرگونه
انتقاد از سیاستهای رژیم و هر
اعتراضی باید متوقف گردد . و الا
تعقیب شرمی و " قانونی " یعنی بسا
زند آنها را و اعدام و بیرو خواهد بود .
آری حال که رژیم عوام فریبی های
اصطلاح ضد امپریالیستش روی آب
افتاده ، دیگر نمی تواند بنام مبارزه
ضد امپریالیستی به سرکوب ضد
امپریالیستهای واقعی اقدام کند ،
است که خمینی ناچار شده است
چماشکار و تر فرمانهای رضا شاهی و
محمد رضا شاهی علیه توده های مردم
ن صادر نماید .

اما طبرقم این موافرینها و فرمانها
وقصایبها و اطمینات نشان میدهد که
مبارزات دمکراتیک و ضد امپریالیستی
در ایران همچنان ادامه داشته و
ادامه خواهد یافت .

بایگاه آیینان در

سفر ۱۵ ساعت زیر ضربات

بیشمرگان کومه له بود .

● روز ۲۶ / ۱۰ / ۵۹ ساعت ۵ بعد
از ظهر و دستهای بیشمرگان کومه له
دشمن خیردار میشوند در مقابل

اسلحه های سبک و تفنگ ۵۷ و آر پی
جی و نارنجک انداز و خمپاره انداز
بایگاه ارتشیان مستقر در " آیینان "
واقع در ۱۵ کیلومتری سفرد رسیر
جاده سفز - سفندج را مورد حمله
قرار دادند و مدت ۵ / ۱ ساعت
بایگاه را زیر آتش گرفتند . این حمله
طوری فاعظگیرانه بود که افراد دشمن می
برنا هم سردرگم در میان سنگرها
میدویدند و مدت ۱۰ دقیقه نتوانستند
عکس المعطی از خود نشان دهند
بالاخر متانک بایگاه به حرکت داد شد
که بعد و ن هدف کوههای اطراف را با
توپ و خمپاره و کالیبر ۵۰ میکوبند در
حالی که بیشمرگان در نزدیکی آیینان
بودند . بعد از این حمله بیشمرگان
بسلامت بسوی بایگاههای خود
بازگشتند و در مسیرها زگشت مورد
استقبال گرم روستائیان قرار گرفتند .
بهرزنان بهر مردان و کودکان استقبال
بیشمرگان می شتافتند و آنها را به
خانه های خود دعوت میکردند .
ارتشیان مستقر در این بایگاه از ترس
حمله بیشمرگان زخمی ها و کشته های
خود را نتوانستند تا صبح به بیما رستا
منتقل نمایند . از ساعت ۵ / ۷ صبح
تا ساعت ۱۱ صبحاً آمبولانس در آمبو
رفت بود و زخمیها و کشته های دشمن
را به بیما رستان انتقال میداد از میزان
تلفات دشمن اطلاع دقیقی در دست
نیست .

مریوان

● ۲۵ / ۱۰ / ۵۹ - در این روز
چهار نفر از بیشمرگان کومه له که
برای سرزدن به خانواده هایشان
از دیگر رفقا جدا شده بودند در
سیر خود به روستای " مولمان "
وارد شده بودند شب هنگام
بوسیله حدود ۱۵۰ ارتشسی و
پاسدار محاصره شدند . نیرو
های دشمن در مسیر روستا نیرو
پیاده می کنند و عدای از آنها
ساعت ۶ صبح وارد روستا میشوند .
بیشمرگان که از ورود نیروهای
دشمن خبردار میشوند در مقابل

آنها به مقاومت پرداخته و ضمن یک
نبرد قهرمانانه آنها را از آبادی بیرون
می کنند . آنگاه ارتشیان و
جاشهای جنایتکار و وحشیانه روستا
را نبرگبار کالیبر ۵۰ گرفته و بسا
خمپاره و سلاحهای دیگر آنجا را
می کوبند . این نبرد سخت و سزا
برابر ادامه پیدا میکند . مز
دوران به بیشمرگان اخطار رسمی
کنند که شما چهار نفر هستید خود
را تسلیم کنید . بیشمرگان
انقلابی در پاسخ می گویند ما مرگ
را با جان پذیرا هستیم و تسلیم شما
مزدوران نخواهیم شد . و با دادن
شعار و خواندن سرود به نبرد خود
ادامه میدهند و چندین بار
حملات دشمن را با داخل روستا
دفع میکنند .

طی این نبرد یکی از بیشمرگان
دلیر کومه له بنام " کاک حسن
مولمانی " زخمی و پس از چند
ساعت بشهادت رسید .

بیشمرگان کومه له (پل شهید
حسین) که در یکی از روستاهای
این منطقه بودند به محض باخبر
شدن از جریان بهیاری رفقای
خود شتافتند . و در نزدیکی روستا
- های " همنگزاله " و " آلیزاوله "
وسعت ۵ کیلومترها جاشها هاسد .
ران که قبلاً مستقر شده بودند
درگیر شدند .

بیشمرگان قهرمان که تا ساعت
۹ صبح در داخل روستای مولمان
مقاومت کرده بودند ، حلقه
محاصره را شکسته و به رفقای خود
بازگشتند . بعد از آن مزدوران
وارد روستا شده و به تفتیش منازل
پرداخته و وحشیانه خوراکی
و آذوقه رزستانی خانواده هارابه
کوچه ها ریخته و چندین خانه
را به رگبار گلوله بستند .

مزدوران همچنین به اذیت
و آزار و کتک کاری اهالی روستا
پرداخته و یک نفر از زخمی کردند و
زیر ضربات مشت و لگد دست یکی از
روستائیان زحمتکش را شکستند .

دشمن به هنگام عقب نشینی ۲۰

نفر از اهالی این روستا را برای در امان ماندن از حملات پیشمرگان سپهری برای خود قرارداد نند و بالاخره آنان را به پایگاه (نا و طاق) برده که هنوز از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

روستای سرچنار باردیگر

گلوله باران شد. ● ۵۹/۱۰/۲۸ - برائش خمار بهاران به توب بستن روستای سرچنار توسط ارتشیان هاسد اران مستقر در میان آب یک نفر شهید و ۶ نفر زخمی گردیدند و خسارت مالی زیاد در این روستا وارد آمد. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی هر روز هات اطراف میاند آب را به توب و خمار می بندد که در نتیجه جان در روستاهای این منطقه ه زیاد ی به شهادت رسید و ه از خمسی گردید مانند و خانه های بسیاری ویران و بسیاری از حمتکشان این ده ها تدر این سرمایه زستان آواره شد مانند. جلادان رژیم با ارتکاب این جنایات میخواستند مردم را از مقاومت و هارزه انقلابی بر طبعه خود باز دارند. زهی خیال باطل که گلوله آنها کسینه ز حمتکشان کرد و می شکافد در دل هزاران ز حمتکش این خلق رزمند و در یائی از خمسه کینه جاری مسازد که سرانجام ه اوج گیری مبارزات سراسری خلقهای ایران سرکوبگران ضد خلق را در خود غرق خواهد کرد.

انگراشی از مهلباد

● روز ۵۹/۱۰/۲۶ در زفولسی رئیس سپاه هاسد اران بود نسال آن روز ۵۹/۱۰/۲۷ ملاکر پشار یکمندی اما جمعه د ولتی در اجتماع هدهای از مردم مبارز مهلباد سخنانی اسرار د کرد مانند که خمسه بود ما ز خمسه جنایتکا رویا کا ر آنها بر میدارد. آنها که خشم و نفرت تود ه های مرد هر و سرور هستند و دیگر اسراری نند ارنده که جنایت " ایند رقاش" را با عواض فریبی

پنهان سازند. بلکه بعنوان یکسی از افتخارات خود از آن یاد میکنند تا شاید از این طریق خللی در اراده مهره لادین مردم بوجود بیاورند. زهسی خیال باطل که ملاکریم شار یکندی نیز که د بگرموا مقر بهایش بشیوه گذشته چار مساز نیست همراه هاسد اران به تهدید مستقیم مردمی آورد. این امواج طوفانی جنبش انقلابی است که این چنین آشکارم رتجمعین وز حمتکشان را رود روی هم قرارداد هاست:

روز جمعه ۵۹/۱۰/۲۶ رئیس سپاه هاسد اران در مسجد جامع سخنرانی کرد و ه گفت: پیشمرگان هر شب بهما حمله میکنند شما مردم ضد انقلاب را راه مید هید، آنها را معرفی نکنید، بهما تحویل نمید هید، چند نفر ضد انقلابی را اهدا کرد و ه با اعتراض همتان بلند شد هاست. تا وقتیکه خط خود را روشن نکنید بشما هیچ چیز نخواهیم داد، ه با یاد طرفدار ما باشید ه کومه لود موکرات... شبها آنها را در خانه هایتان راه مید هید میخواستند هزاران نفر را داخل شهر کتیب شهر را مثل ایند قاش کنیم؟ ایند رقاش هم اولین روز قشیم و گفتیم هلاجهای خود را تحویل دهند، تحویل ندادند، تا حسنی آمد آن هلاهارا بر سرشان آورد... آخر تاکی ما باید در این کردستان لعنتی شهید

بد هیم. وقتی سخنان رئیس هاسد اران به اینجا رسید جمعیت داخل مسجد بعنوان اعتراض بلند شدند و طیرقم تلاش جاشها وتود های هابرای بازگرداند آنها و اکثریت قریب با تقاضایان مسجد را ترک کردند. جاشها و هاسد ارانی که در مسجد را گرفته بود نند از وحشت حمله پیشمرگان یک لحظه آرا چند اشتند.

● روز ۵۹/۱۰/۲۷ ملاکریم شار یکندی امام جمعه ای که از طرف هاسد اران تعیین شده هاست، هدهای از مردم هرا بمسجد دعوت نمود و هار سخنان در روز قبل رئیس سپاه هاسد اران برای مردم حرف زد. او گفت:

ما باید صبر داشته باشیم و چنرا د هر روز زگورود رفته و مسجد را ترک کردید. این حرفها هر چه باشند حقایق را در پشت سردا نند. آخر گروههای سیاسی چه نفعی برای شما داشته اند... آنها که منتقام خون یک نفر حمله میکنند و ۱۲ نفر را می کشند و بعد تراکت مید هند که ه با تمام شهید شدن یک نفر حمله کرد ه ایم... خوب ارتش هاسد اران هم مجبورند به شهر خمسه هاره بیاندازند. خمار بهاران با تیزرا بخاطر ما ورید...

ملاکریم آشکارا مردم هرا به خمسه هاره با ران د و هرا منظره ای تیز تهدید میکرد. بعد از این سخنان مردم از مسجد خارج شدند. عصر همان روز هاسد اران خانمه پشاهنکی را با بلند وزیران و محل آت را صاف کردند تا جلوه ی مقشان بهان باشد. همچنین

کشاوری را مین گداری کرد مانند. ● ۵۹/۱۰/۲۷ - ساعت بعد از ظهر، چند نفر جاش هاسد اران خیابان بهلولی سابق (نزد یکسی گلالمسوره) یکمین پیشمرگان کومه لود افتادند و در زبهاران گلوله های پیشمرگان ه هاسد اران جاش مورد اصابت قرار میگردد که یکی از آنها اکبر خیری جاش معروف بود. هاسد اران او را به بیمارستان شهر و خورشید منتقل کردند و اما د و ام نیاورد و در آنجا بهلاکت میرسد. اکبر خیری در دستگیر و اهدام رفیق شهید احد

شعبانی نقش اصلی را به عده داشت و هلا و هرا این در خانه گردی ه اخیروادیت و آزار مردم مبارز مهلباد فعالان دست داشته و مورد تفسیر شدید مردم هود. کشته شدن آنها شور و هیجان زیاد ی در شهر مهلباد رهبر و گردید هاست. رضا خیزی نیز در بزرگتر اکبر خیری که از جاشها و هامل مهم رژیم در شهر مهلباد بود، از مدتی قبل به وسیله پیشمرگان ماسد دستگیر و زندانی گردید هاست. نبرد روز ۵۹/۱۰/۲۷ پیشمرگان کومه لود زسری عطیاتی بود که بنا به مطبعا شهید احمد همدت در روز د شهر مهلباد سا زمان داد ه شد هید.



به یاد رفیق شهید کاک احمد شعبانی

روز سیزدهم بهمن ماه، سال زمان ما یکی از اعضا و مسئولین بخش مخفی تشکیلات خود را در مهاباد از دست داد. در این روز رفیق کاک احمد شعبانی "به جوخه" آمد امجدان رژیم جمهوری اسلامی سپرد شد و زندگی سر اسر و روهما رزاش که آنرا به نامی وقف امر طبقه کارگر کرد بود، به نام موشی گزاید.

شهید احمد شعبانی سه روز قبل از آن یعنی در روز همد به مهاباد رفته و در مهاباد توسط پاسداران و جاسوسان محاصره و دستگیر شد. از جنیب او تا به ما فاشی کشف شد که وابستگی تشکیلاتی او را کاملاً "محرمی ساخت و شهید احمد موفق نشد بود، هنگام محاصره و دستگیری آنها را سر به نیست نماید. او که سالها در دوران خفقان رژیم شاه و رژیم جمهوری اسلامی با کار در شرایط مخفی آشنائی داشت، میدانست که هنگام دستگیری بهایستی از دادن هرگونه اطلاعات سیاسی و سازمانی و منطبقه هویت تشکیلاتی خود بدشمن خود داری نماید. اما این بار که هویت تشکیلاتی او برای دشمن روشن شد بود و میدانست که وی را شکنجه و اعدام خواهند کرد، تصمیم گرفت در همین حال که کومه بود نش را همچون پتک سنگینی بر مغز پاسداران جهل و سر ما به میگوید، داغ کسب هرگونه اطلاعات را نیز بر دل دشمنانش بگذارد. این تصمیم دشواری بود که تنها ما را کسبست - لنینیست های واقعی از عهد ۴۰ انجام آن بر می آمدند. او مانند همیشه مصالح سازمان را بر منافع شخصی ترجیح داد و بود و نترسد و تزلزل پاسخ داد: "آری من کومه هستم برای سازمانم کار میکنم." جلا دادان جمهوری اسلامی از وی پرسیدند: "بسیار خوب، پس اطلاعاتت را بده و کسی را که میشناسی معرفی کن." او جواب گفت: "من هیچکس را دیگر بر این جز احمد نمیشناسم." و این ترتیب نشان داد که جز خود ش هیچکس دیگری را به آنها نخواهد گفت. رفیق شهید شعبانی در زیر شکنجه ها حتی اسم حقیقی خود را بروز داد و خود را بنام احمد احمدی معرفی کرد و همین نام بود که را در مهاباد و غیرت ما مهاباد را با خوشحالی خبر دستگیری و اعدام این مبارز انقلابی را اعلام کردند.

مدت سه روز تمام او را به شد بدترین و وحشیانه ترین شیوه های که تنها در خورد زخمیان جمهوری اسلامی است شکنجه کردند. اما او را در مهاباد از سرسوزنی همتوانستند دست کنند. لبهای او را زار و هرگز از زخم ننگشود. خند های پیروزی و لبها بر لبهای دشمنانش خشکانید. مهال ارتجاع جنازه اش را مخفیانه در گورستان شهر انداختند در حالی که تمام بدنش را از ضربات شکنجه میبود کرد و صورتش را سوزانید و مهابیست گلوله اعداش نمود بودند. اما سرانجام این اهود که را در دشمنان طبقاتش را در هم شکست و آنها را زبونانه در برابر کوه استوار و مقاوم خود برانود را آورد.



رفیق شهید کاک احمد شعبانی در سال ۱۳۳۲ در ریک خانواد ۴۰ متوسط در شهر سنندج بدنیا آمد. در دوره ابتدائی و متوسطه را در همین شهر مهاباد در سن ۱۳۵۱ وارد دانشگاه کاشانی و در پیروزی همدان گردید. در دانشگاه و از طریق محافل دانشجویان انقلابی با مسافران سیاسی آشنا شد و نصف مبارزان بر علیه رژیم شاه پیوست.

شهید احمد در اعتصابات و مبارزات دانشجویی فعالانه شرکت میکرد و در همین حال با شور و شوق بطالعه میبرد و اخت و بتد ریح با اید ثلوی طبقه کارگر آشنا میشد. او با علاقه و پیگیری راه مبارزه را انتخاب کرد و پیوسته مبارزان بیشتری آشنا شد و در انتها آموزش و تجربه انقلابی خود را با او میبرد.

شهید احمد از سال ۵۵ با سازمان انقلابی زحمتکشان در روابطه تشکیلاتی قرار گرفت و با رفقای مانند رفیق شهید نوروز گنجی (کاک فایق) روابط سیاسی محکم بوجود آورد. در این دوران کاک احمد در شهر سنندج با کارگران و زحمتکشان طرح دوستی میبرد و در مدت کوتاهی در دل آنها جای میگرفت. همچنین همراه رفقای مبارزی که در مدارس معلم بودند به روستاها رفته و با زنده یک با زندگی توده های مردم روستا آشنا میشد. او در شهر روستا با علاقه و دلسوزی به زحمتکشان نزدیک شده و با وقت و موشکافی زندگی و مبارزات آنان را مورد بررسی قرار میداد.

پس از این بان دوره دانشگاه به عنوان افسر سپاه ترویج و آباء دانی در شهرهای خوی و با نه و سنندج یکبار برود اخترا و با استفاده از موقعیتش بعنوان مهندس کشاورزی به عنوان ما موریت اداری و دهات اطراف را زیر پا میگذاشت و با استفاده از هر فرصتی به گفتگوها زحمتکشان میبرد و اختها را زبانی سادها را مستشار رهی حقوقیشان صحبت میکرد و نقش رژیم پهلوی را برایشان بازگو می نمود. او در همه جا میکوشید تا آگاهی سیاسی زحمتکشان را بالا برد و آنها را نسبت به وضع اجتماعی ایران آگاه گرداند. یکی از نمونه های کار سیاسی وی در میان زحمتکشان را میتوان در آشنائی و فعالیتهایش با د و نفرا ز زحمتکشان شهر مهاباد و خاوند و مصطفی مجیدی مشاهده کرد.

این دهراد رکه را اثر تاس با شهید احمد بیازات سیاسی برای رها نشی زحمتکشانش کشید بود رقیام فعلا لانه شرکت نمود مهود ند و سرانجام د رصف پیشمرگان کومله د رآمد ند و قهرمانان ند و نبرد د ارسا وین تا بستان اسال - بشهادت رسید ند .

کاک احمد بقیه د و ره سرها زیش را د رزا د گاهش سفندج بهایان رسانید ود راین مدت برای تسهیل فعالیتش د رمان زحمتکشانش و شغول با د گیری سیم کشی و چراغ سازی شد .

کاک احمد با او گیری مبارزات انقلابی ایران بر علیه رژیم شاه و دست از زندگی شخصی کشید همه بیک انقلابی حرفه ای تبدیل شد ود رهم مرصه های اجتماعی پاکینه ای صمیم نسبت با مهربانیم و ارتجاع و عاشقسی آتشین نسبت به زحمتکشانش د ر مبارزه شرکت میکرد . د رقیام و د رتنگها نیهای شهر و د راجتماعات پرشور توده ها و متینگها ود رجلسات تشکیلاتی همه جا چون آتشی فروزان از خود گرمی بهمه میخشد .

پس از وی کار آمدن رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی با هزمی راسختر از پیش به مبارزه ادامه داد . د رتسویروز خونین سفندج همچون چهره های رزمند و خستگی ناپذیر بر علیه سرکوب فاشیستی رژیم جمهوری اسلامی خود را نشان داد . مدت پس از آن د رجنبش اعتراضی مردم میوان عهد عهد را تحاد به د هقانان میوان بفعالیت پرداخت . سرانجام د رپها ۸۵ برای کار تشکیلاتی د رمها با د ما موریت یافت . د رمها با د اوستولیت کسار د رمان کارگران راهبده د ارشد ود رراه انجام وظایف تشکیلاتش انجام کارهای کارگری را پیشمگرد و از تمام آنها برای فعالیتهای سیاسی د رمان زحمتکشانش بهره میگرفت .

شهید احمد د رطول د و ره ۳۰ ول جنبش مقاومت ود رفاصله ۳۰ تشریس با تمام نیرو د رمان کارگرهای کوره پزخانه های اطراف و همچنین کارگران روستائی که معمولا د ر مناطق غیرا زکردستان کار میکنند و بفعالیت میپرداختند و هارفت و آمد های د افش به محلات فقیرنشین شهر و مراکز کارگری د هات اطراف مها با د افکار انقلابی را ترویج میکرد . او کارگران هوا د ارسا زمان را نه فقط د رجیت ماز مها سرما به د اران جدا گانه بلکه د رجیت ماز مها کل نظام اجتماعی حاکم آموزش میداد و برای آنها از لزوم یکپارچگی با طبقه کارگران سخن میگفت . شهید احمد شعبانی د رپها را سال بعضویت کومله د رآمد و استقلالیت خود را د رمها با د بعهده گرفت و به بهترین نحوی او عهد ما انجام وظایفش برمی آمد .

ما بد لایلی خبرشهادتش را تا کنون اعلام نکرد مهود هم . ما پیشمرگان ما از روز سوم شهادتش یعنی ۱۶ د پها د رمدت د روز ضربات شدید بر نیروهای سرکوبگر د شهر مها با د وارد آورد ند که شرح آنها را د ر خبرنامه های قبلی دید ماید و د راین مطلب گسترده که منام "مطبوعات شهید احمد" نام گذاری شد مهود و پیشمرگان بسا زمانها مفرها سد اران را مورد حملات بی امان قرار داد و د ر نقاط مختلف شهر آنها را بکین انداختند و هلا و مهو وارد آوردن زبانه های سنگین و جمعا د رحد ود . د نفرانها سد اران را بیهلاکت رسانید ند و سرانجام د ر روز ۲۷ د پها پیشمرگان قهرمان سا زمان ما توانستند اکبر خبری جنایتکار را که د ر دستگیری و شکنجه و اعدام کاک احمد نقش اصلی را بعهده داشت د رخیابانی د ر شهر مها با د اعدام انقلابی نمایند .

ما نیز همچون رفیق شهید ما نایمان داریم که بهترین انتقام را از د زخیمان خلق خوا هم گرفت . یعنی بسا انجام هر چه فعلا نه ترو وظایف انقلابی و سیاسی خود ود ر پیوند با طبقه کارگر ایران سرانجام هر چه آزادی - زحمتکشانش را بر فراز ایران بر خوا هم افراشت .

میدان جنگ ایران و عراق تهدید مسلح کرد د .
بد نیال آن پها د دفتر سید عزالدین حسینی و سازمان رزمندگان و سازمان پیکار و جمعیت مستقل معلمان مبارز و سا زمان چرکیهای فدائی خلق ایران قرائت کردید . قرائت این بود د راین مراسم پها چرکیهای فدائی خلق (جاننداران) و سازمان وحدت کمونیستی و شوروی دانش آموزان مدارس بوکان و راکرگرنیسز قرائت کرد د که بعلت کمبود وقت و نامناسب بودن هوا از خواندن این پها مها خورد د ازی کردید . د رفواصل

اولین بار سرود انترناسیونال را به زبان کردی اجرا نمود ند که با استقبال گرم مردم مهو و کردید . پس از آن یکی از مسئولین کومله سخنانی د ر رابطه مها تا ریخه ود رسهای د و م بهمن ماه بطور مختصر شرایط اجتماعی آن زمان و تجربیات این جنبش د مکراتیک و همچنین اوضاع کنونی کردستان و ایران و جنگ ایران و عراق را تشریح کرد . مسئول کومله د ر ادامه سخنان خود د رمورد تجا وزا خبری مها شیمی عراق بسنا طبق میوان بمرد هشداد داد و اعلام کرد که کنیروهای سیاسی کردستان نباید بگذارند میوان بیسه

گزارشی از مراسم "دووی ریبه ندان" در بوکان

بمناسبت سی و پنجمین سالگرد اعلام جمهوری خود مختار کردستان و بد موت کومله د ر تاریخ ۵۹/۱۱/۲ مراسم با شرکت هزاران نفر از مردم ماز بوکان د ر محل مدرسه ماسد به رنگی برگزار کردید . د راین مراسم ابتدا گروه سرود کومله مها همکساری جمعیت مستقل معلمان ماز بوکان

سرود انترناسیونال

شعری را که در زیر میخوانید متن کردی سرود انترناسیونال است که توسط شاعر انقلابی کاک همایون به زبان کردی ترجمه شد ما ست هوای وطن با توسط گروه سرود کومه در مراسم دوم بهمن (۲۷ بهمن) در یوکان اجرا گردید.

اصل این شعر ۱۱ سال قبل (۱۸۷۱) در دوین روز هفته خونین و در جریان قیام کارگران پاریس توسط شاعر انقلابی اوزن بوتیه در میان آتش و خون سرود شد و چندی بعد به یاد قهرمانان کمون پاریس بنام "سرود انترناسیونال" انتشار یافت که با یک محتوی و یک آهنگ در سراسر دنیا به نشانه همبستگی کارگران جهان بزبانهای مختلفا اجرا میگردد. همستن نهی هژوی بهش مهنه تان!

دیوانی برسی بهتی دنیا!

لیر تنویری بیر و با و مرمان
فرزنی تریشه راسا.

تنویری تاخرینه ههستن!

با هلی چنین دهوری کۆن.

رابین و نه هژور کمن جیهان

تییمی "هیج" بین به "گشت"

نهی کۆلان!

تاخرین شهه هه شهری سمر و مال
با بهکرتوو بین ههقالان.

به نهنترناسیونال

رزگار دهی ئینسان.

+ + +
دستلا تدار رزگارمان ناکن

نه شاه نه شیخ نه فاسان.

با خومان بو رزگاری رابین

نهی ختلی بهرمهم هینمران!

رزگاری گشتی بی ووه ها کمن

گیان له بهند و مال له تالان.

خومان فاگر خوش کمن و بوکتین

به گهرما گهرمی فاسن مان.

تاخرین شهه هه شهری سمر و مال

با بهکرتوو بین ههقالان.

به نهنترناسیونال

رزگار دهی ئینسان

+ + +

تییمین کهرکاران و رهزیران

کوبهلی گه ووهی زه حهه تکیش.

دهر به تییمه دهیری جیهان

تا که بی ته ووهلی خهین رهز?

بهلام نه مرو و سهیه نهی ههقالان

ههرکه فهوتان قهل و دالان

ههتاوی گهش ههتا ههتا به

به یاد پیشمرگ شهید کاک حسن هوله نانی

کاک حسن مولمانی در یک خانواده فقیر دهقانی در روستای قوله نان "منطقه" کوماسی میوان بدنیا آمد. دوران کودکی و جوانی را با کار و زحمت سپری نمود و هنگامیکه پدرش بدسپهه فتودالهای منطقه به شهادت رسید خود سرپرستی خانواده عفری را به عهده گرفت.

کاک حسن در مبارزات دهقانان منطقه کوماسی در سالهای ۳۵ فعالیت شرکت کرد. وی همراه رفیق مبارزش شهید محمد مولمانی همواره مورد تعقیب ماموران ژاندارمری و دیگر ماموران دولتی که حامی فتودالها بودند قرار داشتند.

کاک حسن در تهران و هوازد تهابه کارگری پرداخت و نزد یک ستم سرمایه داری را حس کرد. با اوج گیری مبارزات خلقهای ایران طبقه حکومت شاه مزدور به افشاکاری و تبلیغ در میان زحمتکشان منطقه پرداخت. کاک حسن همراه رفقای همرزش در منطقه کوماسی با اتحادیه دهقانان میوان و اورمانات همکاری فعال و نزدیک داشت.

کاک حسن در جریان هژور اول رژیم جمهوری اسلامی به کردستان به صف پیشمرگان کومه پیوست و در بیشتر عملیات نظامی از جمله تسخیر پاسگاه چناره، انهدام ستونی که مازم چناره بود و همچنین در خلع سلاح فتودالهای منطقه نقش فعالی داشت. کاک حسن در دوره آتش بس در مقر جانوره در بالابردن آگاهی سیاسی خود و دیگر رفقای همرزش بسیار کوشش مینمود و ارتباطه بسیار فشرده ای با زحمتکشان منطقه برقرار کرده بود.

زحمتکشان منطقه کوماسی کاک حسن را همچون فرزند خود دوست داشتند. در جلسات پیشمرگان نیز رهنمودها و نظراتی را مطرح مینمود که در همین ساده بودن نشانگر آگاهی طبقاتی وی بود. در ورود و جفتش مقاومت مسئولیت نظامی یک دستار پیشمرگان کومه به عهده داشت و همراه با دیگر رفقای همرزش در بیشتر نبردهای پیشمرگان مادر میوان و همچنین در محاصره پادگان بانه شرکت داشت و همواره بطور بیکیرو با حوصله و شکیبائی وظایف تشکیلاتی خود را به انجام می رساند.

سرانجام در تاریخ ۲۵/۱۰/۵۹ در حمله جاشها پاسداران به روستای "موله نان" طی یک مقاومت قهرمانانه به شهادت رسید. زندگی پر از جانبازی و فداکاری این پیشمرگ تسلیم ناپذیر و آگاه سرمشق پیشمرگان و رزمندگانی است که هم اکنون طبقه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به پیکاری بی امان زده اند. مقاومت قهرمانه کاک حسن و سه همرزش چون حماسه ای در دل زحمتکشان منطقه نقش بسته است.

کنند و در مراسم نیز با ابراز احساسات گرم خود از آن استقبال میکردند. بخشی از شعارهایی که در این مراسم داده میشد چنین بود: هه ریزی جونیشی مقاو هتی گلی کورد، شهری ئیران و صیراق هه شهری سرما به. داره ده نه خه لکی هه زا ره. تنیا سه وفاتی ده ولت بو کهرکاران و گه لان ه

تیشک دا وژی بو ئینسان. تاخرین شهه هه شهری سمر و مال با بهکرتوو بین ههقالان به نهنترناسیونال رزگار دهی ئینسان. ادامه: گزارشی از مراسم پیام سازمانها و گروههای سیاسی و سرودهایی اجرا شد و مردم شرکت

کوشش‌های بیکاره و فسخ اعلامی
شورش‌گیران و قارنا و قلاتان و اینقدر
قاش و صوفیان و بژی‌هیزی کوه‌پایه و
زه‌حبه تکمیلی له‌گله . همیشه رگ‌ناوت
به‌ززه و دوزخ‌خانه تل‌مرزه .
شرکت زنان انقلابی در این مراسم

پرشور و چشم‌گیر بود . مراسم بسیار
تظاهرات انبوه شرکت‌کنندگان از
محل برگزاری تا مقر کوه‌پایه با نفاخت .
شرکت هزاران نفر از مردم بوکساز
در این مراسم نشان‌دهنده
بودن روحیه مبارزاتی زحمتکشان

کردستان هشتتپانی بید ریخ مرد از
نیروهای انقلابی جنبش مقاومت خلق
کرد و تنفروا نجزار عمیق آنان نسبت به
امثال هیئت حاکمه ضد خلقی
جمهوری اسلامی است .



بیانیهٔ ماموستا شیخ عزالدین حسینی دربارهٔ اوضاع جاری کردستان ایران بنسبت آبی ریبه ندان
بنسبت سالگرد اعلام جمهوری خود مختار کردستان ، ماموستا شیخ عزالدین حسینی بیانیهٔ مفصلی منتشر کرده
است که حاوی نکات بسیار مهمی از نظریات ایشان در مورد مسائل جاری کردستان و ایران میباشد . این بیانیه با مقدمه‌ای
از "دفتر سپید مزالدین حسینی" منتشر گردیده است . مسائل مطرح شده در این بیانیه به دلیل نقش پراهمیت ماموستا در
جنبش انقلابی خلق کرد ، از اهمیت بسیار برخوردار است . ماطی چند شماره خبرنامه قسمت‌هایی از بیانیه را با آگهی‌نگار
میرسانیم .
در قسمتی از بیانیه ماموستا نقطه نظر او در خصوص اوضاع موجود در کردستان و مناطق آزاد شده و کردستان چنین
خلاصه میکند :
" . . . اکنون در کردستان و اکثر شهرها در بارها شغال رژیم درآمده‌اند و حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی بسیار
دیگرها عکس العمل انقلابی مردم پرورش داده است . زیرا این مردم در دوران زندگی و جوش حضور پرشورگان و طعم
شهرین آزادی و دموکراسی را چشیده‌اند و هرگز نمیتوانند حاکمیت سرکوبگران جمهوری اسلامی را تحمل کنند .
این واقعیات ما را بر آن میدارد که به مسئله چگونگی اعمال حاکمیت در مناطق آزاد شده و کردستان توجه دقیقتری نشان
دهیم و آنرا دست کم نگیریم . اینک بعضی شهرها و کلیه مناطق روستایی کردستان در اختیار مردم و پرشورگان است
شرایط جنگ و محاصره اقتصاد پررزدگی مردم و بخصوص زحمتکشان کردستان فشار سنگینی تحمیل کرده است با وجود
این هشتتپانی آنان از جنبش مقاومت خلق کرد روز بروز بیشتر میشود طاعت آنست که مردم کردستان همهٔ امید خود را بس
جنبش و سازمانهای سیاسی آن بسته‌اند .
به نظر من اگر این سازمانها به مسئلهٔ چگونگی اعمال حاکمیت برخورد صحیح داشته باشند باعث دلگرمی و امیدواری
بیشتر مردم میشوند و اگر خدای نخواسته بشیوه‌ای نادرست به آن برخورد کنند در مردم دل‌سردی و نومیدی ایجاد مینمایند .
بنابراین با توجه به شرایط فعلی و پیشنها د های خود را در مورد مسئلهٔ حاکمیت بصورت زیر اعلام میدارم :
۱- سازمانهای سیاسی کردستان نباید اصل خدشه‌ناپذیر حاکمیت خلق را در مردم نظرد اشتها شدند و قدرت خود را
ما فوق مردم قرار دهند .
۲- امور اجرایی در شهر و روستا باید بدست ارگانهای اجرایی منتخب مردم سپرده شود . سازمانهای سیاسی در
کردستان نباید از این ارگانها هشتتپانی نمایند و ارگانهای مزبور باید اختیار داشته باشند ، در صورت لزوم برای اجرای
تصمیمات خود از سازمانهای سیاسی کردستان بیاری بخواهند .
۳- کمکهای مردم به سازمانهای سیاسی باید با اولیای آنها و با اولیای آنها و با اولیای آنها باشد ، تا مردم نسبت به جنبش
شان امید و دلگرمی و امیدوار بود و میبایست میان آنان و پرشورگان جنبش مقاومت خلق کرد مستحکمتر گردد .
۴- سازمانهای سیاسی کردستان ، باید جداگانه دموکراسی که گرانبها ترین دستاورد جنبش و خونهای شهیدان
خلق کرد است ، با احترام بگازند و از نقض دموکراسی به هر طریق از قبیل تعرض به حریم آزادیهای دموکراتیک و با تجاوز به
حقوق فردی و اجتماعی اشخاص بپرهیزند . اصل آزادی همه گونه فعالیت سیاسی در کردستان باید محترم شمرده شود و
از منع فعالیت سیاسی سازمانهای دیگر اقدام به خلع سلاح آنان خود داری شود .
۵- حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کوه‌پایه) بود بگر سازمانهای سیاسی
در کردستان و باید اختلافات خود را از راههای سیاسی حل کنند و از هرگونه توسل به زور و برخورد نظامی میان خود جدا
خود داری و ورزند . زیرا این کار به زیان جنبش مقاومت و مصالح توده‌های خلق کرد بود و تنها نفع نیروهای سرکوبگر خواهد
بود .
۶- توده‌های خلق کرد حق دارند که در روابطها هر یک از سازمانها با استقلال از آنان دست به تشکیل
ارگانهای صنعتی و توده‌های بزنند . کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهری و روستایی ، با زاریان و زنان و معلمان ،
دانش آموزان و دانشجویان کردستان باید در کارگاه و مزرعه و مدرسه و با زارود و هر جای شهر و روستای خود بتوانند از
طریق تشکیل شوراهای اتحادیه‌ها ، جمعیتها و . . . در امور مربوط به سر نوشت خویش فعالانه شرکت کنند .
۷- خلق کرد و نیروهای انقلابی موظفند که فضای دموکراتیک کردستان را شکوفا توپیرها رترکرد و در مقابل حرکت‌های
ضد دموکراتیک ایستادگی کنند و از حقوق خود و دیگران و از حریم مقدس آزادی و دموکراسی کردستان دفاع نمایند ."